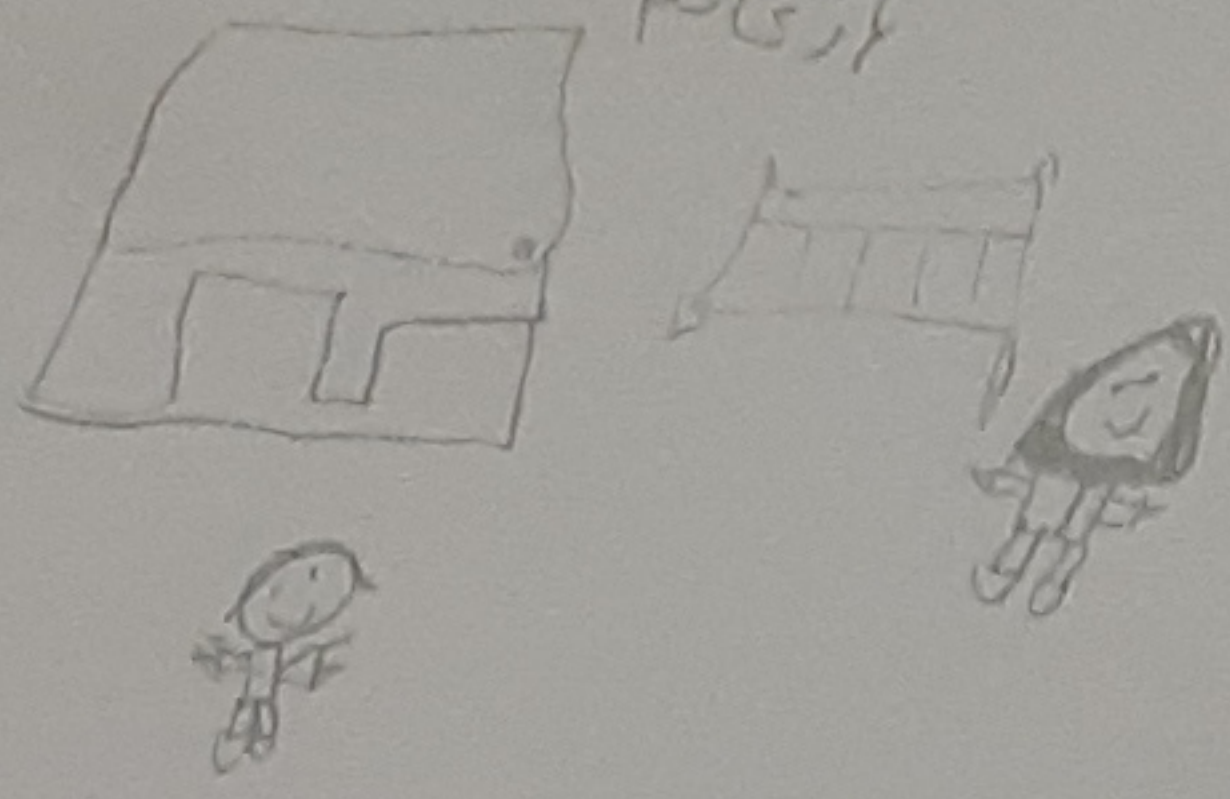
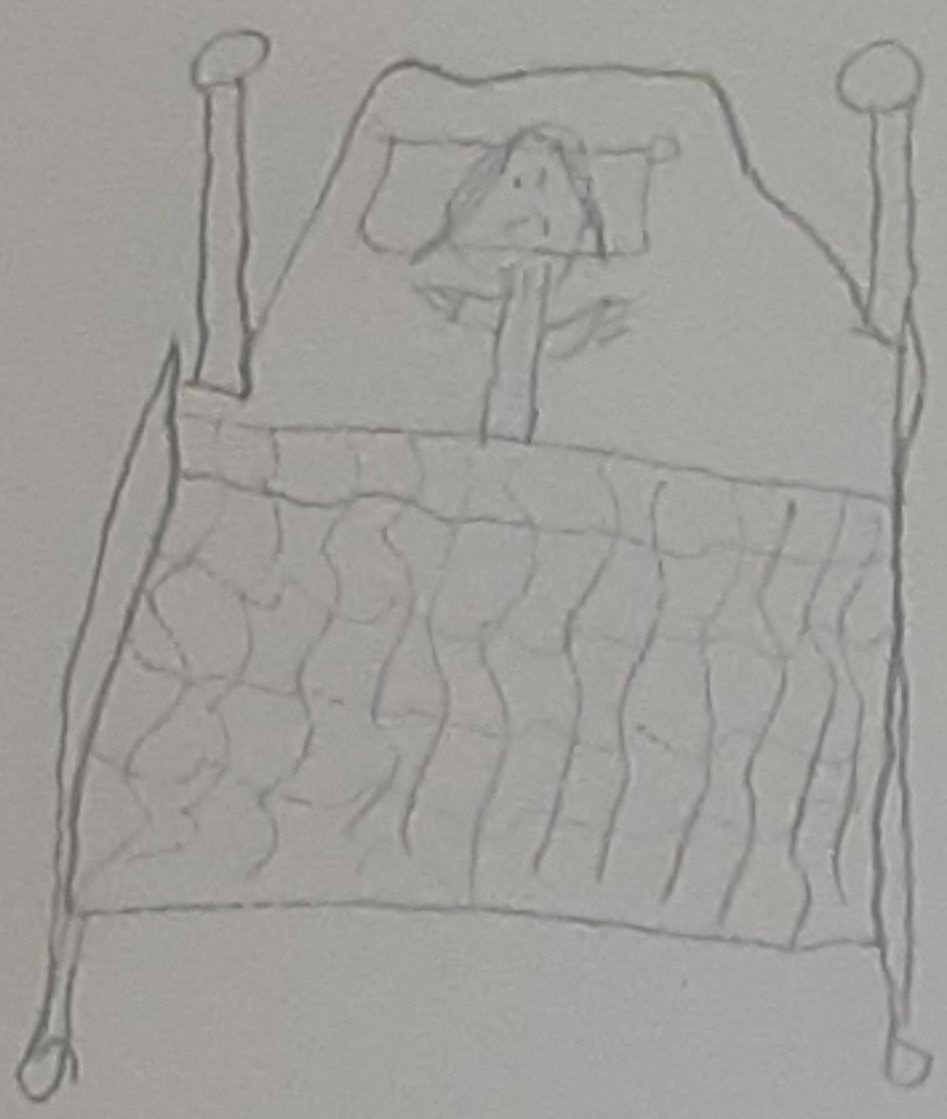




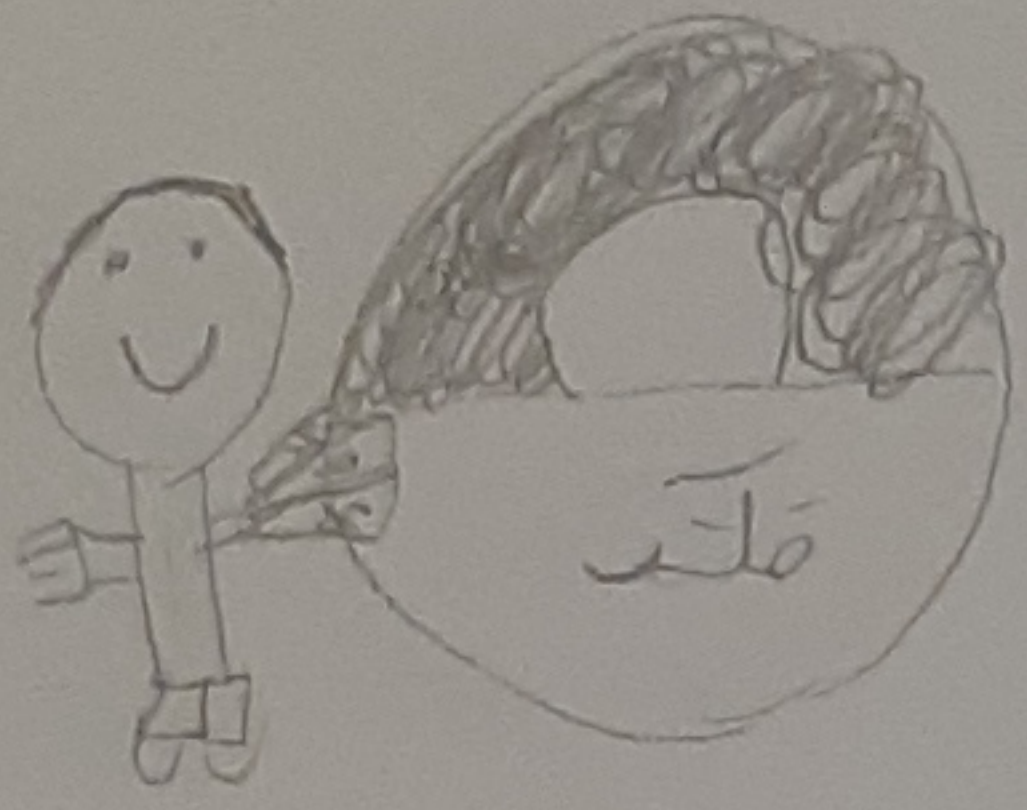
نمایش نه می پریم بیرون
بازی تمام



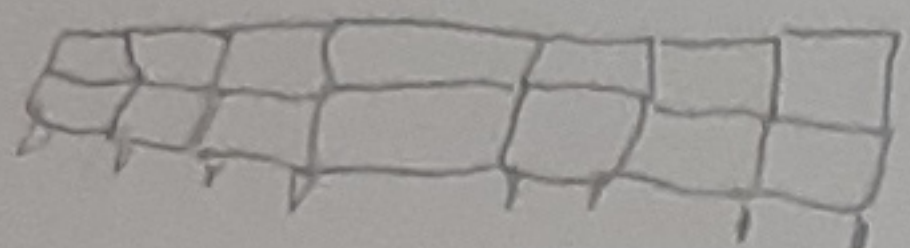
ناراحت پول شو سرد



پولو توی قلد



قلد سرد توید تا رایه خون



بازی کردن



التابراتی

خدا این داستان را گفته هم نماند پرس گیرم داخل بیخ خود
بکنز ارم.



فاطمه حیدری

پسر کوچولو افتد به فرو شترگاه و پول هایش را خرج

کرد و رفت خانه و از مادر نخست که به من

پول به مادر گفت: در اتاق بزیاری را تعویز کن

